حسین علیزاده در نخستین کنسرت تالار وحدت با حضور تماشاگران بعد از دو سال:

هنرمندان با نیروی عشق مردم می‌مانند و کار می‌کنند

تالار وحدت پس از نزدیک به دو سال به میزبان کنسرت «رکوییم موتزارت» به یاد درگذشتگان هنر ایران در دوران همه‌گیری کرونا شد.

به گزارش هنرآنلاین، کنسرت «رکوییم موتزارت» به رهبری بردیا کیارس با همراهی ارسلان کامکار کنسرت مایستر، سحر انزلی رهبر گروه کر هاسمیک کاراپتیان، مهدی قاسمی رهبر گروه کر شهر تهران، میلاد عمرانلو رهبر گروه کر تنال و نوازندگان و خوانندگان کر ارکسترها، شامگاه چهارشنبه اول دی در تالار وحدت برگزار شد.

نیما زاهدی نوازنده ویلن در ابتدای مراسم در سخنانی از حضور و استقبال مخاطبان قدردانی کرد و گفت: ابتدا قرار بود تنها به مناسبت چهلمین روز درگذشت پورنگ پورشیرازی همکار عزیزمان برنامه‌ای اجرا کنیم ولی بعد از پیگیری‌ها تصمیم بر این شد تا کنسرتی به یاد درگذشتگان هنر ایران برگزار و یاد همه هنرمندان درگذشته گرامی داشته شود. در ادامه این برنامه کلیپی از تصاویر درگذشتگان هنر ایران در دوران کرونا پخش شد.

هنر و هنرمند تاج سر آفرینش است

سپس فاطمه معتمدآریا روی سِن آمد و در سخنانی گفت: به همه کسانی که با همدلی اینجا هستند سلام می‌گویم و ممنون کسانی هستم که من را به این مراسم دعوت کردند تا نکاتی را که حرف دلمان است مطرح کنیم. ضمن اینکه همدلی کنیم با کسانی که می‌دانیم عزیزان خود را از دست دادند یا عزیزان ما بودند و از دست رفتند.

وی افزود: راست می‌گویند که دوران هیچ منزلتی پایدار نیست، جز هنر که تاج سر آفرینش است. امشب همه ما اینجا هستیم فقط به دلیل همتی که این مجموعه موسیقی کرده است. در واقع هیچ هنر دیگری این قدرت را نداشت. این همدلی امشب ما به دلیل وجود کسانی بود که هنرشان تاج سر هنر این مملکت است. کسانی که هر پنجه، نوای برآمده از سینه‌شان، حرکت‌شان و فکرشان جز عشق، مهر، دوستی چیزی در این مملکت نپراکنده است.

این بازیگر ادامه داد: چیزی که امشب اینجا اتفاق افتاده، جدای از ادای احترام به کسانی که عزیزان ما بودند و از دست رفتند، نشان از دوستی، مهر و همدلی ما دارد. وقتی در سالن نشسته بودم، مثل همیشه در حال نگاه کردن به سقف بودم؛ این لانه‌های ریز ریز که دور هم جمع شده، درون آنها پر از صدا، عشق و مهر هنرمندانی است که سال‌های سال اینجا کار کردند و به قول آقای حسین علیزاده اینجا خانه آنهاست. خانه آنها بوده و خانه آنها خواهد بود. ما در تک‌تک این لانه‌ها خانه کردیم نه با جسم، بلکه با روحمان، نگاهمان، عشقمان و هنرمان.

معتمدآریا در ادامه صحبت‌هایش بیان کرد: بزرگ‌ترین هنری که امشب و در اینجا توانسته این مجموعه را با هم همدل کند، موسیقی است. مگر ممکن است در این لانه‌ها آوا و صدای هنرمندان ما خاموش شود؟ موسیقی چیزی غیر از مهر پخش نکرده و نمی‌کند. موسیقی از ما درخواست و ما را به هم نزدیک می‌کند. چطور می‌شود که با زدن بر یک پوست دباغی‌شده صدایی از آن برخیزد که همه ما را به شعف بیاورد؟ یا از یک نوای نی تا عمق وجود ما آزرده و غمگین شود؟

وی ادامه داد: ما با شادی در سوگ، با غم و با هستی، عجین هستیم با موسیقی. از اینکه همه ما امشب به دلیل همراهی با مجموعه‌ای که ما را دعوت کردند اینجا جمع شدیم، احساس امنیت خاطر می‌کنم. چرا که ما هر جا گرفتار باشیم، بیش از هر چیز و هر کس دیگری خودمان به حال هم کمک می‌کنیم.

معتمد آریا در پایان صحبت‌هایش گفت: شاید کسی نداند که همیشه و در هر موقعیتی، مجموعه هنرمندها به داد هم رسیدند، اما وظیفه بر دوش دیگرانی است که باید آن را رعایت کنند. فقط از شما سپاسگزارم که من را به عنوان کسی که شاید چهره شناخته‌شده دارد به اینجا دعوت کردید تا بگویم همه ما از ابتدای هستی تا پایان آن بدون شک مدیون موسیقی هستیم.

موسیقی از هر سلاحی قوی‌تر و ماندگارتر است

حسین علیزاده نیز در ادامه این مراسم گفت: ما همه یک خانواده هستیم و اینجا جمع شدیم. پورنگ عزیز کسی بود که با رفتنش سبب شد این خانواده کنار هم جمع و به این بهانه از پورنگ‌های دیگر در موسیقی، سینما و همه هنرهای دیگر نیز یاد شود.

وی ادامه داد: چیزی که اهمیت دارد این است که ما ثروت خیلی عظیمی در دستانمان داریم که آن موسیقی، قلبمان و عشقمان است. سال‌های سال گذشت و همه ما که در هر هنری با مشکلات بسیار مواجه بودیم. نماینده اعضای موسیقی نیستم ولی این مسائل را در موسیقی طی کردم و باید بگویم، سالیان سال است که تمام دوستان و همکارانم از خودشان مایه گذاشتند؛ اینکه آدم در خانه خود مجبور باشد با یکسری مسائل بجنگد تا بتواند یک چیزی را حفظ کند، کار ساده‌ای نیست.

علیزاده در ادامه صحبت‌هایش گفت: خیلی اوقات پیش می‌آید که وقتی در سفرهای کاری با همکاران خارجی برخورد می‌کنیم، باور ندارند که ما موسیقی را با چنگ و دندان حفظ کردیم و می‌کنیم. مردم واقعا بسیار ما را حمایت کرده و می‌کنند. در این سالیانی که گذشت، هنر به ما یاد داد متکی به خود باشیم. ما هنری را در دست داریم که از هر سلاحی قوی‌تر است. ما ابزاری در دست داریم که ماندگارترین است. این در تمام دنیا ثابت شده است. اگر تمام تاریخ را بگردید، همه را باید از روی دست هنرمندان ببینید. تاریخ‌های نوشته شده، تاریخ‌هایی نیستند که مردم آنها را نوشته باشند. ولی وقتی آثار بزرگ دنیا را گوش می‌کنید زمان خودش را تعریف می‌کند و گویاست. تمام این سال‌ها که گذشت، خیلی‌ها نمی‌فهمیدند چرا ما عاشقیم؟! چون اصلا از عشق چیزی نمی‌فهمیدند.

وی در ادامه با تاکید بر اهمیت همبستگی هنرمندان، به صحبت‌های اخیر یکی از نمایندگان مجلس درباره موسیقی اشاره کرد و گفت: این افراد نمی‌دانند که این مقام و جایگاهی که دارند ماندگار نیست. خیلی عجیب است که برخی با به دست آوردن یک جایگاه کوچک، حرف‌های بزرگ بزرگ می‌زنند و برای مردم و موسیقی تعیین تکلیف می‌کنند.

علیزاده در ادامه بیان کرد: فکر می‌کنم در بحث‌هایی که اخیرا درباره موسیقی شده مخالفان آنقدر قابل نبودند که درباره آنها چیزی گفته شود ولی مهم‌ترین مساله همدلی هنرمندان است. امشب همه اینجا حرف همدیگر را می‌فهمیم. چطور می‌توان از هنرمندان یاد کرد جز با ابزار خودشان، جز موسیقی که امشب اجرا می‌شود. تمام دوستان جوانی که در این کنسرت جمع هستند و بردیا کیارس که این همت را کرد تا این مسائل برطرف شود، در واقع یک ابراز همدردی و همدلی است. این یک وحدتی است که باید بین هنرمندان باشد.

وی افزود: در هر دوره تاریخی، هر جمعیتی که همیشه با هم متحد بوده‌اند، ضربه پذیری آنها کمتر بوده است. ما در اینجا پشتیبان بسیار بزرگی به اسم موسیقی داریم. موسیقی برای ما هنرمندان جزو مقدساتمان است. چراکه بعد از اتفاقات تلخی که رخ داد، تنها با موسیقی می‌توانستیم حرف بزنیم.

این آهنگساز در ادامه گفت: اگر به موسیقی توهین شود، در واقع به همه ما توهین شده است. ما در دنیا کشورهای اسلامی زیادی داریم که در هیچ‌کدام از آنها موسیقی را حذف نمی‌کنند. چرا که موسیقی، انسان‌ها را از هر دردی نجات می‌دهد. آن چیزی که در این دوران ثابت شده این است که ما با نیروی عشق مردم سر پا هستیم و کار می‌کنیم. بنابراین باید واقعا قدردان مردم باشیم که چقدر طی این سال‌ها به هنرمند خود انرژی و نیرو دادند، همانطور که هنرمندان به آنها عشق دادند.

وی افزود: چیزی که خیلی نتیجه مثبت دارد این است که بدانیم سلاح ما عشق است. اگر از موسیقی که روح انسان است، غافل شویم آن جامعه مریض می‌شود. هنوز دارو و واکسنی برای افراد ضد موسیقی درست نشده است.

علیزاده در پایان گفت: نسل ما خون دل‌های بسیار خورد اما امیدوارم این موضوع برای نسل جوان تکرار نشود. خوشبختانه افراد آموزش‌دیده ما در حوزه موسیقی به مراتب بیشتر از زمان ما هستند که همه را سر ذوق می‌آورند. گاه در جشنواره جوان استعدادهایی را می‌بینم که حیرت‌آور هستند. آنها در آینده هنر و هنرمند ایرانی را سرافراز می‌کنند.

در ادامه مراسم کلیپی درباره تاریخچه «رکوییم موتزارت» پخش شد. در بخش پایانی این مراسم نیز، گروه به اجرای قطعات مختلفی پرداخت و در پایان هر قطعه با استقبال کم‌نظیری از سوی مخاطبان مواجه شد.

حسین علیزاده، وارطان ساهاکیان، علی بوستان، کیاوش صاحب نسق، ابراهیم لطفی، محمد سریر، فاطمه معتمدآریا، رضا مرتضوی، هوشنگ کامکار، نادر مشایخی و رضا تفضلی از جمله حاضران در مراسم کنسرت «رکوییم موتزارت» بودند.

چرا برخی نقاشی‌ها میلیون‌ها دلار قیمت دارند؟

گستره هنر بسیار فراتر از آنچه چشم می‌بیند است. هنر قاعده و قانون ثابتی ندارد. هنرمند همواره در معرض چالش‌های بسیاری قرار دارد. اما آنچه همیشه برای مردم سوال برانگیز بوده، این است که چگونه یک تابلو نقاشی می‌تواند میلیون‌ها دلار ارزش داشته باشد؟

به گزارش ایسنا، الجزیره در گزارشی به بررسی علت گران قیمت بودن برخی از تابلوهای نقاشی پرداخته و چند نمونه از این تابلوها را معرفی کرده است.

در این گزارش می‌خوانیم: «برای پاسخ به این سوال باید از زوایای مختلفی این موضوع را بررسی کرد، زیرا قیمت تابلوهای نقاشی در گذر زمان تغییر می‌کند. یک دلیل مهم برای افزایش چشمگیر قیمت تابلوها، افزایش تقاضا برای خرید آن‌هاست؛ بدین معنی که هر گاه تابلویی خواهان بیشتری داشته باشد به همان نسبت قیمتش افزایش پیدا می‌کند و وقتی تقاضا بالا رفته و عرضه کاهش یابد، قیمت تابلوها نجومی و انحصاری می‌شود.

دلیل گران قیمت بودن برخی از تابلوهای هنری، در قید حیات نبودن نقاش آن‌هاست. وقتی هنرمندی می‌میرد، ارزش مادی و معنوی آثار او به طور ویژه‌ای افزایش پیدا می‌کند. موزه‌ها نیز به همین سبب از آثار هنرمندان در گذشته به طوری خاص نگهداری می‌کنند، حتی اگر آن اثر تنها یک خط خطیِ ساده باشد!

برخی از ثروتمندان، بدون اینکه درکی از هدف نقاش برای خلق یک اثر هنری داشته باشند، خرید تابلوهای هنری را نوعی سرمایه گذاری راحت به حساب می‌آورند. زیرا قیمت تابلوهای نقاشی با گذشت زمان افزایش پیدا می‌کند.

سرمایه گذاری در هنر کار ناپسندی نیست اما در کنار این کار باید ارزش معنوی اثر را نیز درک کرده و به هدف نقاش از ترسیم آن پی برد. هنر نقاشی برای هنرمندان این رشته پرهزینه است و اغلب هنرمندان زندگی‌های سختی را پشت سر می‌گذارند. بسیاری از آن‌ها نیز در زمان حیات خود به سختی می‌توانند تابلوهای خود را به فروش برسانند. با وجود همه این سختی‌ها برخی از هنرمندان تا پایان عمر به کار هنری خود وفادار می‌مانند.

هنر نیازمند شجاعت و فداکاری است و هنرمند در طول زندگی خود با چالش‌های زیادی چه در درون خودش و چه در محیط پیرامونش مواجه می‌شود؛ بنابراین همه آثار هنری به نوعی ارزشمند هستند.

در ادامه این گزارش نگاهی خواهیم داشت به چند اثر از گرانقیمت ترین تابلوهای نقاشی جهان:

تابلو «سالواتور موندی» _ لئوناردو داوینچی

تابلو «سالواتور موندی» اثر لئوناردو داوینچی که شمایلی از مسیح را ترسیم کرده، در حال حاضر، یکی از گرانقیمت ترین تابلوهای جهان محسوب می‌شود.

این اثر بین سال‌های ۱۷۶۳ تا ۱۹۰۰ میلادی در جایی پنهان شده بود و در سال ۲۰۰۵ توسط برخی از تاجران هنر انگلیسی مجددا کشف شد. این تابلو در سال ۲۰۱۱ در موزه ملی لندن به نمایش گذاشته شد. قیمت این تابلو حدود ۴۵۰ میلیون دلار است.

«تبادل» _ ویلم دکونینگ

ویلم دکونینگ تابلو «تبادل» را با الهام از اقامتگاهش در نیویورک کشیده است. یک میلیاردر آمریکایی این اثر را به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار خریداری کرده است. او همچنین تابلویی از جکسون پولاک را در همین معامله خریده و برای دو تابلو مجموعا ۵۰۰ میلیون دلار پرداخت کرده است.

«ورق بازان» _ پل سزان

تابلو «ورق بازان» اثر پل سزان، یکی دیگر از تابلوهای گران قیمت جهان است و قیمتی حدود ۲۵۰ میلیون دلار دارد.

«کی ازدواج خواهی کرد» _ پل گوگن

تابلو «کی ازدواج خواهی کرد» اثر پل گوگن، نقاش پست امپرسیونیسم فرانسوی است. این اثر در سال ۱۸۹۲ ترسیم شده است. این تابلو نزدیک نیم قرن در موزه کونتس در شهر بازل در کشور سوییس نگهداری می‌شد. پل گون این اثر را در اولین سفرش به جزیره تاهیتی ترسیم کرده. او مجموعه ای از نقاشی‌ها را با موضوع زنان تاهیتی ترسیم کرده است. تابلو «کی ازدواج خواهی کرد» در سال ۲۰۱۶ به قیمت ۲۱۰ میلیون دلار به فروش رسیده است.

«شماره ۱۷» _ جکسون پولاک

جکسون پولاک این اثر را در سال ۱۹۴۸ ترسیم کرده است. در ابتدا آثار این هنرمند غیرعادی تلقی شده و محبوبیت کمی داشتند. تابلو «شماره۱۷» در سال ۱۹۴۹ در یک مجله منتشر و سبب شناخته شدن این هنرمند شد. چند ماه بعد همین مجله مطلبی را منتشر کرد با طرح این پرسش که آیا جکسون پولاک بزرگترین هنرمند زنده ایالات متحده است؟ این گزارش سبب شد تا عده‌ای آثار پولاک را مسخره کرده و عده‌ای احترامی خاص برای او قائل باشند. تابلو «شماره ۱۷» در سال ۲۰۱۵ به قیمت ۲۰۰ میلیون دلار به فروش رفته است.»

رویاهای خیالی که با نوای پیانوی آرش گوران تداعی شد

دشت سبزی را تصور کنید که گاه بادی می‌وزد و چمن‌ها را می‌رقصاند، در حالی که مهتاب دشت را نورانی کرده و همه چیز چقدر آرام است. این درست تصویری است که گوران در نخستین اجرای خود پس از تعطیلی طولانی‌مدت کنسرت‌ها با نواختن پیانو در تالار وحدت ایجاد کرد.

به گزارش ایسنا، رسیتال پیانوی آرش گوران، در دومین شب اجراهای تالار وحدت پس از تعطیلی طولانی‌مدت کنسرت‌ها برگزار شد.

در این اجرا که رپراتواری با فضایی یکسان داشت، دو قطعه از خود گوران و آثاری از آستور پیاتزولا، گیا قانچلی و میوش ماگین اجرا شد.

این کنسرت با یکی از قطعات گوران آغاز شد که ریتمی آرام داشت و تصویری چون روزهای سرد زمستان را در برابر چشمان تداعی می‌کرد.

این ریتم همچنان تکرار می‌شد. گاه نوازنده کلیدهای بم کلاویه را می‌نواخت و گاهی شاهد مکث کوتاهی بودیم تا اینکه دوباره صدایی بم از پیانو به گوش می‌رسید و همان ریتم تکرار می‌شد.

پس از لحظاتی دیگر با مکث‌های طولانی‌تر سرانگشتان نوازنده کلیدهای پیانو را لمس می‌کرد و فضای قطعه از حالت ابتدایی خارج شده و تصویری رویاگونه ایجاد شده بود. نوازنده با سرعت و ظرافت بر کلاویه می‌کوبید و مخاطبان را بیش از قبل با خود همراه می‌کرد تا اینکه باری دیگر فضای ابتدایی کار برگشت.

گوران در قطعه بعدی نیز فضای آرامش‌بخش را در سالن حفظ کرد. در این قطعه، گاه با ظرافت نواخته و گاه بر کلاویه کوبیده شد اما به طور کلی قطعه دارای فضایی آرام بود.

این بار اما گورانی آغازی هیجانی داشت و دیگر خبری از آن فضای یکنواخت و آرام نبود تا اینکه پس از لحظاتی فضا تغییر کرد، اما دوباره آن فضای حاکم بر کنسرت بازگشت و هیجانی به همراه بود و باری دیگر فضایی آرام، تا آنکه به سرعت بر کلاویه کوبیده شد و تمام.

در این اجرا در سانس اول چهار قطعه با یک فرم و قطعه‌ای کاملا متفاوت اجرا شد و در سانس بعدی نیز قطعاتی با فضای یکسان نواخته شدند.

قاسمی از نمایشگاه «قرب و بُعد» در پروژه‌های آران می‌گوید

میراث صنعتی و آرشیو زنده

نمایشگاه گروهی «قرب و بُعد» در پروژه‌های آران برپاست. امیرعلی قاسمی کیوریتور این رویداد در گفت‌وگو با هنرآنلاین گفت: پروژه‌های هرمپ در ایران شامل یک برنامه اقامتی، پژوهشی، هنری مابین ایران و اروپا است که به عنوان بستری برای تعامل میان پروژه‌های هنری منتخب و هنرمندان و ساکنان جغرافیای میراث موردنظر تعریف شده است. هدف از این فرآیند تعاملی، به کار انداختن و فعال‌سازی مجدد مباحث میراث فرهنگی ایران در گفتگو با سایر کشورهاست.

قاسمی ادامه داد: شاخصه فرهنگی این پروژه شامل دو بخش است. در بخش نخست که در سال ۱۳۹۸ آغاز شد و تا امروز ادامه داشته، به میراث ملموس، آرشیو زنده و میراث صنعتی پرداخته شده است. بخش دوم که از سال ۱۴۰۰ آغاز شده و در جریان است بر میراث فرهنگی ناملموس، به ویژه موسیقی و شعر متمرکز است.

این رویداد یک پروژه هنری است، نه یک پروژه معماری یا بازسازی و بازآفرینی. او با اشاره به اینکه در این پروژه کارخانه سیمان ری انتخاب شده است، گفت: در تابستان سال ۱۳۹۸ پروژه‌های هنری هرمپ برای هنرمندان ساکن در اتحادیه اروپا و ایران فراخوانی آزاد با مضمون میراث صنعتی و آرشیو زنده منتشر کرد و هیئت انتخاب از میان ۶۳ طرح دریافتی، هفت پروژه شایان توجه با چشم‌انداز همکاری با هنرمندان ساکن ایران را برگزید.

اما همه‌گیری کرونا سرنوشت این برنامه اقامتی، پژوهشی و هنری را تغییر داد و هنرمندان نتوانستند برای تولید آثار خود به ایران بیایند و این پروژه به یک برنامه آنلاین تبدیل شد. در نهایت این پروژه با ارتباط آنلاین میان هنرمندان، نویسندگان و کارشناسان ایرانی و اروپایی، با برنامه‌ریزی و پشتیبانی جامعه نیومدیا در تهران، حول محور میراث صنعتی و آرشیو زنده صورت پذیرفت.قاسمی درباره دلیل انتخاب کارخانه سیمان ری گفت: این کارخانه که مطالعه برای ساخت آن از سال ۱۳۰۷ شروع شد و ساخت بنای آن سال ۱۳۱۱ توسط یک شرکت آلمانی آغاز شد اهمیت زیادی در پروسه مدرن کردن ایران داشت. کارخانه‌ها و معادن در توسعه شهری و دست بردن در منابع طبیعی نقش مهمی داشتند و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم بر مردم و جوامع محلی دارند. هر گروه از هنرمندان در آثار خود یک برخورد متفاوت با این موضوع داشته‌اند.

نگاه

نگاهی به فیلم مستند «شرقی وحشی»

جدال با روایت رمان

رویا سلیمی

فیلم مستند «شرق وحشی» به نویسندگی و کارگردانی مجتبی اسماعیل زاده در بخش بلند پانزدهمین جشنواره بین‌المللی سینما حقیقت به نمایش درآمد. این مستند بازروایتی است از سرگذشت پر مخاطره گل محمد کلمیشی (قهرمان رمان کلیدر). مستندساز به دنبال تصنیف‌هایی که از کودکی در مورد شخصیت گل محمد، به کرات شنیده بود، سعی دارد نگاهی دوباره به سرگذشت و اتفاقات حول محور شخصیت او بپردازد. سوژه مورد بررسی فیلمساز، براساس آنچه گفته می‌شود به شخصیتی اسطوره‌ای و مبارز تبدیل شده و قابلیت پرداخت را دارد. فیلمساز در روایتی جستجوگرانه، به منطقه محل زندگی او و به دیدن خانواده‌اش در میان ایل کلمیشی می‌رود و روایت‌های متناقض را در مورد او به تصویر می‌آورد. در این فیلم از چند شیوه روایت استفاده می‌شود. در کنار بهره‌مندی از گفتار متنی که در پلان‌هایی به توضیح ماجرا می‌پردازد، استفاده از شاهدان عینی که در حوادث واقعی زندگی گل محمد حضور داشتند، از نقاط مهم و قابل استناد فیلم است. شاهدان عینی از نوه علی ارباب تا نوه الداغی، دختر گل محمد و برادرزاده او بر سندیت و نزدیک شدن به واقعیت ماجرا کمک بسیاری می‌کند. نکته قابل تامل در این فیلم روایت‌های متناقض این چهار نفر از شخصیت گل محمد به فراخور نسبتی است که با او دارند. دختر و برادرزاده‌اش او را مردی مومن و معتقد و مظلوم روایت می‌کنند. در حالیکه نوه الداغی و علی ارباب او را دزد و باج‌گیر می‌دانند. در ضمن این روایت، اهالی روستا نیز هر کدام چهره‌ای دو قطبی را میان انسان حق‌طلب و مبارز و دزد سر گردنه به دعوا می‌نشینند. در نهایت نیز پس از گذشت قریب به ۹۰ دقیقه از فیلم، تصویر درستی از او ارائه نمی‌شود و تنها بازگویی روایت شاهدان عینی اساس روایت قرار می‌گیرد. ضمن اینکه در پلان‌های متعددی از یک پژوهشگر تاریخ برای پیشبرد روایت استفاده شده که او نیز نمی‌تواند به درستی در مورد شخصیت او نظر نهایی بدهد. اما براساس تصنیف‌های معروفی که در وصف او سروده و خوانده شده، او را قهرمانی مبارز که تسلیم ظلم و بی عدالتی نمی‌شود، معرفی می‌کنند. بنابراین استناد اثر به قهرمان بودن او همان تصنیفی است که اصولا عامل اصلی پرداختن به زندگی گل محمد در ابتدا می‌شود و سیر دورانی را در پژوهش پیش می‌گیرد. ضمن اینکه تاکید بسیار فیلمساز بر تصنیف «ننه گل محمد» در معرفی شخصیت او، از جامعیت اثر می‌کاهد. به جز در موارد اندکی که نامی از رمان کلیدر برده می‌شود، از روایت دولت آبادی در مورد شخصیت گل محمد استفاده نمی‌شود. این تاکید تا جایی است که پژوهشگر تاریخی مستند نیز بر اهمیت تصنیف در اسطوره‌سازی از شخصیت گل محمد تاکید بسیاری دارد و هیچ نامی از رمان کلیدر در ماندگاری و ثبت واقعه‌ای تاریخی زندگی گل محمد نمی‌برد. در حالیکه استفاده از وجوه مختلف و نمایش سوژه در کلیت و جامعیت آن، از اصول ابتدایی مستندسازی است. انکار نقش رمان کلیدر در ماندگاری شخصیت گل محمد و عدم استفاده از روایت آن در اثری با محوریت شخصیت اصلی رمان کلیدر، اثر مستند را ناقص و غیر علمی کرده است. در کل فیلم اگر استنادی بر روایت دولت آبادی از کلیدر می‌شود، از سوی راویانی است که در میان صحبت‌های خود قصد اصلاح اطلاعات تاریخی را در رمان دارند. و فیلمساز به این نکته مهم و اصلی در روایت خود که اتفاقا چند وجهی و متناقض است اشاره‌ای نمی‌کند. روایتی راشومون وار که هر کدام از شاهدان، بنابر نقش و جایگاهی که دارد سعی می‌کند جانب مقام و منزلت خانوادگی خود را حفظ کند. در کنار لزوم این روایت‌های متناقض، بهره‌گیری از روایت‌های دیگر نیز در ترسیم شخصیتی جامع از گل محمد احساس می‌شود.

اخبارکوتاه

عکاس ایرانی داور جایزه ورلدپرس شد

عباس کوثری به عنوان یکی از داوران جایزه معتبر عکاسی ورلدپرس انتخاب شد. به گزارش ایسنا، برگزارکنندگان جایزه عکاسی ورلدپرس در سال ۲۰۲۲ فهرست داوران منطقه‌ای این رویداد را اعلام کردند و عباس کوثری از ایران به عنوان یکی از چهار داور منطقه آسیا انتخاب شد. عباس کوثری از روزنامه شرق در کنار عکاسانی از کشورهای هنگ کنگ، بنگلادش و عربستان سعودی، آثار جایزه عکاسی ورلدپرس را در منطقه آسیا داوری می‌کنند و آثار برگزیده آسیایی را برای رقابت جهانی ورلدپرس در سال ۲۰۲۲ انتخاب خواهند کرد.

مراسم اسکار افتخاری به تعویق افتاد

آکادمی علوم وهنرهای سینمایی اسکار از تعویق برگزاری جوایز «گاورنرز» تا زمانی نامشخص در آینده خبر داد. به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، مراسم جوایز «گاورنرز» آکادمی اسکار قرار بود در تاریخ ۱۵ ژانویه ۲۰۲۲ برگزار شود اما با توجه به نگرانی از شیوع سویه اُمیکرون ویروس کرونا، این مراسم در زمانی دیگر که در آینده اعلام می‌شود برپا خواهد شد. «ساموئل ال.جکسون»، «الن می» و «لیو اولمان» چهره‌هایی بودند که قرار بود در مراسم گاورنرز جایزه اسکار افتخاری خود را دریافت کنند و «دنی گلوور» نیز به عنوان دریافت کننده جایزه بشردوستانه «ژان هرشولت» معرفی شده بود. با افزایش دوبرابری شمار مبتلایان به ویروس کرونا طی یک هفته گذشته در ایالت کالیفرنیا، جوایز گاورنرز آکادمی اسکار نیز به جمع رویدادهای ماه ژانویه پیوست که لغو یا به تعویق می‌افتند. جوایز انجمن منتقدان فیلم هالیوود نیز از ۸ ژانویه به ۲۸ فوریه منتقل شده است و همچنین مراسم اعطای جوایز جشنواره فیلم پالم اسپرینگز نیز بنا بر اعلام دست‌اندرکاران این رویداد سینمایی برگزار نخواهد شد.

«جوان دیدیون» درگذشت

«جُوان دیدیون» نویسنده، فیلمنامه‌نویس و روزنامه‌نگار آمریکایی در سن ۸۷ سالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، «جوان دیدیون» که در آثارش رویکردی مردم‌شناسانه به فرهنگ و سیاست داشت و در طول مدت شش دهه به صراحت در مقاله‌هایش درباره مسائل گوناگون جامعه آمریکا می‌نوشت، در سن ۸۷ سالگی در نیویورک و بر اثر عوارض ناشی از بیماری پارکینسون درگذشت. او به‌عنوان یک چهره برجسته زن در جنبش مرد-محور «ژورنالیسم جدید» در کنار «تام ولف»، «ترومن کاپوتی» و «گای تیلز»، نگاه دقیقی را به جامعه آمریکا و همچنین زندگی خود داشت که ماحصل آن در کتاب‌هایی از جمله «به سوی بیت‌لحم» و «آلبوم سفید» گردآوری شده است.

«دیدیون» در سال ۲۰۰۵ نیز کتاب زندگی‌نامه‌اش با عنوان «سال تفکر جادویی» را نوشت که در آن به روایت از دست دادن همسرش «جان گرگوری دون» پرداخت که این کتاب به جمع نامزدهای نهایی جایزه پولیتزر هم راه یافت و حتی اقتباسی از آن در تئاتر برادوی به روی صحنه رفت.

جدیدترین مجموعه مقالات او در کتابی با عنوان «اجازه دهید بگویم منظورم چیست» منتشر شده است. «جوان دیدیون» در زمینه فیلمنامه‌نویسی نیز فعال بود و نگارش چندین فیلمنامه از جمله «ستاره‌ای متولد شده»، «اعترافات واقعی» و «وحشت در نیدل پارک» را در کارنامه دارد.